

حکمت معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
دوفصلنامه علمی (معرفی کتاب)، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، ۲۸۱-۲۸۳

فراروی از تاریخ رسمی فلسفه اسلامی

معرفی کتاب فلسفه و فقه در جهان اسلام

محسن فیض بخش*

هدف عمده‌ی مجموعه‌ی مقالات فلسفه و فقه در جهان اسلام فراروی از تاریخ رسمی فلسفه اسلامی است. آن چه رسماً به عنوان «تاریخ فلسفه اسلامی» شناخته می‌شود، اندیشه‌های مجموعه‌ای از اندیشمندان است که عمدتاً در قالب سنت ارسطویی فلسفه، ایده پردازی کرده‌اند و آثاری نوشته‌اند؛ اما به باور آدامسون، ایده‌های فلسفی در جهان اسلامی می‌تواند فراتر از صرف تاریخ رسمی فلسفه اسلامی دیده شود و قابل رهگیری در دیگر دانش‌های نظری شکل گرفته در جهان اسلام است. مجموعه‌ای که این کتاب به عنوان جلد اول آن منتشر شده است، به دنبال چنین هدفی است^۱. اولین جلد از این مجموعه، به سویه‌های فلسفی فقه و اصول فقه پرداخته است.

فصول کتاب را می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد؛ دسته‌ی اول درباره‌ی جنبه‌های فقهی آثار اندیشمندانی است که در تاریخ اندیشه‌ی اسلامی به عنوان فیلسوف شناخته می‌شوند. این اندیشمندان گاه آثار فقهی نیز دارند و به عنوان فقیه نیز شناخته می‌شوند (مانند غزالی و ابن رشد) و گاه صرفاً به عنوان فیلسوف شناخته می‌شوند؛ اما در آثارشان بینش‌هایی است که نشان از توجه آن‌ها به مباحث فقهی دارد یا قابل استفاده در مباحث فقهی است (مانند فارابی و ابن سینا). از میان اندیشمندان یاد شده، ابن سینا و غزالی دو فصل و

* دکترای فلسفه دین، دانشگاه تهران، Fayazbakhsh@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵

ابن رشد و فارابی یک فصل کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. فصل‌های مربوط به ابن سینا به قلم هانا ارلواين Hannah C. Erlwein و نورا کالبارزیک Nora Kalbarczyk و فصل‌های مربوط به غزالی به قلم اولریش رودلف Ulrich Rudolph و فلیسیتاس اپویس Felicitas Opwis است. همچنین، فریل بوخفا Feriel Bouhafa درباره‌ی فارابی و زیاد بو اکل Ziad Bou Akl درباره‌ی ابن رشد نوشته‌اند.

دسته ی دوم از فصول کتاب، درباره‌ی اندیشمندانی است که به عنوان فقیه شناخته می‌شوند و با وجود این، در آثار فقهی/اصولی خود، ایده‌هایی فلسفی پرورش داده‌اند. کتاب به طیف متنوعی از مکاتب فقهی پرداخته است؛ از طیف‌های متنوع فقه اهل سنت (مانند شافعی، ابن تیمیه و ابن حزم) تا فقه شیعه فصل‌هایی را در کتاب به خود اختصاص داده‌اند. جرج تامر Georges Tamer درباره‌ی شافعی، جان هوور Jon Hoover درباره‌ی ابن تیمیه و یوپ لمر Joep Lameer درباره‌ی ابن حزم نگاشته‌اند. از دو فصل مربوط به فقه شیعه نیز یکی توسط رابرت گلیو و دیگری توسط امیرمحمد امامی و میرزامحمد کاظم عسکری نوشته شده است. در پایان، والتر ادوارد یانگ Walter Edward Young نیز فصلی درباره‌ی مفهوم «دوران» در بحث از اعتبار قیاس نگاشته است.

مباحث کتاب عمدتاً مربوط به پرسش‌هایی است که یا در فلسفه‌ی حقوق مورد توجه‌اند یا در فلسفه‌ی اخلاق. این مباحث عموماً مربوط به بحث‌های اصولی می‌شود و شامل مباحثی فلسفی در ارتباط با استدلال فقهی است. به عنوان نمونه، لمر نشان می‌دهد که ابن حزم چگونه با برقراری تناظر میان سه گانه‌ی فقهی و خوب/جواز/حرمت با سه گانه‌ی منطقی و خوب/امکان/امتناع، تلاش می‌کند قواعد منطقی موجهات را به بستر فقهی تسری دهد. همچنین، فصل گلیو درباره‌ی جنبه‌های فلسفی اصاله البرائه در فقه شیعی است. امامی و عسکری نیز درباره‌ی مفهوم تجرّی نوشته‌اند و تلاش کرده‌اند مقایسه‌ای میان این مفهوم در اصول فقه و بخت اخلاقی در فلسفه‌ی اخلاق معاصر ارائه دهند. آن‌ها نشان داده‌اند که چگونه تجرّی می‌تواند الهام بخش صورت جدیدی از مسئله‌ی بخت اخلاقی باشد که در فلسفه‌ی اخلاق معاصر مورد توجه نبوده است.

روشن است که ایدی اصلی کتاب و مجموعه‌ای که این کتاب جلد اول آن است، می‌تواند تحوّل در فهم ما از «تاریخ فلسفه‌ی اسلامی» ایجاد کند. به عبارتی، پژوهش‌هایی از این دست، می‌تواند فهم ما از تاریخ فلسفه اسلامی را تاریخی‌تر کند و پیوستگی‌ها و پیچیدگی‌های این تاریخ را برای ما نمایان سازد. فهم تاریخ فقه به طور عام و تاریخ اصول

فراروی از تاریخ رسمی فلسفه اسلامی: معرفی کتاب فلسفه و ... ۲۸۳

فقه به طور خاص در پیوستگی با تاریخ فلسفه، می‌تواند فهم ما را هم از تاریخ فلسفه هم از تاریخ (اصول) فقه دقیق تر و کامل تر کند. در عین حال، این کتاب صرفاً نقطه‌ی آغازی برای این مسیر است و صرفاً چشم اندازی برای پژوهش‌های بیشتر در این زمینه ایجاد می‌کند.

مشخصات کتاب‌شناسی

Adamson, Peter (ed.), *Philosophy and Jurisprudence in the Islamic World*, De Gruyter, 2019.

آدامسون، پیتر (ویراستار)، *فلسفه و فقه در جهان اسلام*، دگرویتز، ۲۰۱۹.

پی‌نوشت

۱. آدامسون می‌نویسد: «این مجموعه به عنوان یک کل، به جنبه‌های مختلف فرهنگ اسلامی می‌نگرد و اهمیت فلسفی ذاتی آن‌ها را می‌کاود و نیز به این پرسش می‌پردازد که چگونه این پدیده‌های فرهنگی با فلسفه به معنای خاص آن تعامل داشته‌اند و بر آن اثر گذاشته‌اند.» (p. vii)